

آسیاب ۱۵۰ ساله

ویژگی:
سازه آبی منحصر
به فردی که هنوز
سرپاست

موضوع:
آسیاب
عجایی

بخش وسیعی از زمین‌های کشاورزی دهونک زیر کشت گندم بود، اما چون در آن دوران اراضی یوسف آباد هم جزو املاک مستوفی الممالک محسوب می‌شد، اهالی گندم‌هایشان را به آسیاب آبی عجایی می‌بردند. این آسیاب در اختیار خاندان میرزا یوسف بود و بعد از فوت او به پسرانش رسید. براساس برخی نشانه‌ها قدمت این آسیاب‌ها به ۱۵۰ سال قبل بازمی‌گردد. در واقع این آسیاب مرز بین یوسف آباد و ونک بود. اهالی قدیمی به یاد دارند که کشاورزان آن دوره، گندم‌ها را به آسیابان می‌دادند تا آنها را تبدیل به آرد کند. به نسبتی که آرد به دست می‌آمد به آسیابان دستمزد تعلق می‌گرفت.



علیرضا زمانی می‌گوید: «سال ۱۳۱۱ شمسی میرزا حسن خان، پسر یوسف خان مستوفی الممالک، فوت کرد و از آنجا که مالک زمین‌های پدرش همچون یوسف آباد و ونک و بهجت آباد بود، کم‌کم این زمین‌ها به دست ورثه افتاد. آسیاب را شخصی به نام ابوالقاسم عجایی که زمین‌دار و کشاورز بود، از ورثه خریداری کرد. عجایی اصالتاً ونکی بود و زمین‌های انتهایی ونک را در اختیار داشت. بین دهونک تا شمال یوسف آباد گندم‌زارهایی بود که متعلق به او بود. او این آسیاب کوچک را نیز خرید تا خودش و دیگر کشاورزان از آن بهره‌مند شوند. عجایی چندین قهوه‌خانه هم در محدوده ونک و یوسف آباد داشت و افرادی هم در این قهوه‌خانه‌ها به کار مشغول بودند.»

سیدجلال عجایی تنها وارث و حافظ آسیاب آبی است. او درباره قدمت این آسیاب می‌گوید: «این آسیاب که زمان قاجار ساخته شده مدتی در اختیار مستوفی الممالک بود و او از آسیاب نگهداری می‌کرد. اما از سال ۱۳۲۲ پدرم عرصه آسیاب را خرید. قبلاً ۲ آسیاب در این محدوده فعال بود؛ یکی با عنوان آسیاب کوچیکه و دومی آسیاب بزرگه که به آن آسیاب «گاویشی» هم می‌گفتند. زمان ساخت بزرگراه رسالت، آسیاب‌بزرگه از بین رفت. این دو آسیاب تمام آرد خبازهای آبادی‌های اطراف، از ونک تا اوین و در که را تأمین می‌کرد و روزانه بیش از ۳۰ خروار آرد در آنها تولید و توزیع می‌شد. اهالی ونک گندم‌هایشان را بار الاغ می‌کردند و روانه آسیاب می‌شدند. گاهی آن قدر گندم کشاورزان زیاد بود که ساعت‌ها در صف می‌ماندند تا نوبتشان بشود.» گویا آسیاب را در کودی ساخته بودند تا آب به آنجا سرازیر شود. تنوره‌ای هم برای آن در نظر گرفته بودند که از طریق مخزن، آب قنات با فشار زیاد داخل تنوره می‌شد و قسمت چوبی زیر آسیاب را می‌چرخاند.

راویان خاموش چندصد ساله

موضوع:

مسجد جامع
دهونک، حسینیه
اباعبدالحسین،
امامزاده قاضی الصابری

ویژگی:

اماکن
مذهبی که قرن‌ها
قدمت دارند

قرار دارد. امامزاده قاضی الصابری (ع): در سده ششم هجری عبدالکریم سمعانی بنابر بعضی از روایت‌ها در کتاب «النصر» از ابوالفتح نصرین مهدی ونکی به عنوان یکی از علمای معروف و عادل دهونک یاد کردند که میان اهالی به داوری و قضاوت می‌پرداخت و بسیار مورد احترام بود و به همین دلیل به قاضی الصابری شهرت پیدا کرد. مقبره این عالم عالیقدر ۷۰۰ سال پیش از خشت و گل در دهونک ساخته شد، اما به مرور زمان این بنا رو به تخریب رفت تا اینکه سال ۱۲۶۳ شمسی میرزا یوسف مستوفی الممالک، صدراعظم ناصرالدین شاه، این بقعه متبر که را به زیباترین شکل بازسازی و بهسازی کرد.

حسینیه اباعبدالله الحسین (ع): بانی ساخت این حسینیه کارگران کارخانه ماسک‌های ضدگاز و بوکه فشنگ بودند. این کارگران همراه خانواده در خانه‌های بزرگ حیاط‌دار در کنار سایر همکارانشان در دهونک زندگی می‌کردند. آنها اغلب در ایام ماه محرم و صفر برای زنده نگه‌داشتن قیام کر بلا در محوطه بیرونی خانه‌هایشان پرچم و خیمه عزاداری به پامی کردند. با افزایش جمعیت و نیاز به فضای بیشتر با همت کارگران کارخانه و کمک‌های مردمی، ۶۴ سال پیش حسینیه اباعبدالله الحسین (ع) در محدوده خیابان شیخ بهایی امروز برای برپایی مراسم عزاداری سیدالشهدا (ع) ساخته شد.

ساخت اماکن مذهبی
چون مسجد و حسینیه
محله ونک و دهونک

پراز قصه و روایت‌های فراموش ناشدنی برای اهالی و بانیان ساخت آنهاست. ماجرای ساخت این اماکن را به روایت ابوالقاسم امیری نیکو ملقب به آقابزرگ دهونک مرور کرده‌ایم.

مسجد جامع دهونک: یکی از قدیمی‌ترین بناهای مذهبی دهونک مسجد جامع است که به گفته محلی‌ها، قدمتی بیش از چندین قرن داشت که سال ۱۳۴۲ شمسی بنای آن تخریب و از نو ساخته شد. بانی ساخت مسجد معمار کهنه‌کار و صاحب‌نامی به نام «استاد علی» بود که میان محلی‌ها به «اوس علی» شهرت داشت. اوس علی تجربی بود اما زنی ونکی داشت و همین موضوع پای او را به ده باز کرد و کار ساخت مجدد مسجد جامع را بر عهده گرفت. «احمد چاله» مصالح‌فروش محله یوسف آباد، از دیگر بانیان ساخت مسجد جامع دهونک بود. او مصالح و ابزار آلات مورد نیاز و آهن برای ساخت مسجد را تهیه کرد. فروش چوب توتستان‌های دهونک و همت مردم کمک زیادی به ساخت و توسعه بنای جدید مسجد کرد. این مسجد در مجاورت تکیه قدیمی دهونک در خیابان شهید صابری امروز



کارخانه مرموز و دردسرهای کارگری



موضوع:

کارخانه
ماسک‌سازی
ضدگاز

ویژگی:

کارخانه‌ای که
دو بار تغییرتولید
داد و باعث روشنائی
نخستین لامپ
محله شد

کارگران همچنان در خانه‌هایشان ماندند؛ خانه‌هایی که دقیقاً در حاشیه دانشگاه الزهراء (س) قرار گرفته بود و سال‌ها بعد مسئولان دانشگاه ادعا کردند چون زمین کارخانه به دانشگاه تعلق گرفته است پس این خانه‌ها نیز مایملک دانشگاه خواهد بود. در برهه‌ای این کشمکش به یکی از مهم‌ترین دردسرهای اهالی ونک به خصوص همسایگان دانشگاه تبدیل شد. برخی از خانه‌ها متروک شد. بعضی‌ها خانه را ترک کردند و بعضی فروختند و عده‌ای نیز ماندند، چون معتقد بودند قیمت خانه‌ها از حقوقشان کسر شده و آنها صاحب خانه‌ها هستند. همچنین سورن یوسفیان، از ساکنان قدیمی دهونک می‌گوید: «۵۵ سال قبل روس‌ها به‌طور مخفیانه در این کارخانه قنداق اسلحه تولید می‌کردند. کارمندان روسی از صبح تا غروب در این کارخانه کار می‌کردند و دولت برای روشن ماندن چراغ کارخانه در ساعات شبانه‌گاهی یک کنتور برق در کارخانه نصب کرده بود و مرحوم تقی ونکی که از اهالی ونک بود مسئولیت خاموش و روشن کردن کنتور را بر عهده داشت. بعد از مدتی اهالی دهونک از تقی ونکی خواستند با روس‌ها مذاکره کند تا از کنتور کارخانه شماره ۵ یک شاخه برق به اهالی بدهند. مذاکرات با روس‌ها به نتیجه رسید و آنها رضایت دادند که در ساعات تعطیلی کارخانه، اهالی ونک از کنتور برق استفاده کنند.»

داستان کارخانه ماسک‌سازی محله ونک یکی از جنجالی‌ترین داستان‌هایی است که همچنان نقل اهالی این محله قدیمی است.

اگرچه مالک اصلی زمین‌های روستای ونک مستوفی الممالک بود ولی باروی کارآمدن پهلوی اول محال بود بتوان بر سرزمین‌هایی که آنها نشان می‌کردند بحث و جدل کرد. پهلوی اول تصمیم گرفته بود بخشی از زمین‌های ونک را به کارخانه‌ای تحت عنوان کارخانه ماسک‌سازی تبدیل کند و این زمین را از ورثه مستوفی گرفت. این کارخانه سال ۱۳۱۷ شمسی ساخته و در میان اهالی به کارخانه شماره ۵ شهره شد. «سیدمحمد عجایی» از اهالی ونک می‌گوید: «ماسک‌های ضدگاز اینجا ساخته می‌شد. کسی هم اجازه ورود به آنجا نداشت. چند سالی وضعیت به همین منوال بود تا اینکه به بهانه قانون منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ‌ها، مسئولان کارخانه به تولید وسایل دیگری همچون چراغ‌گاز، لاستیک، تلمبه، سوپاپ، در قوطی کنسرو و... روی آوردند.» به گفته اهالی، در اطراف کارخانه خانه‌هایی برای رفاه حال کارگران ساخته شده بود تا به راحتی و در زمان کوتاهی به محل کار خود برسند. اما بعد از تعطیل شدن کارخانه،

